

تأليف:

الإمام محي الدين النووي

ترجمة أبي عبدالله:

إسحاق بن عبدالله الديري
العوضي

:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم:

الحمد لله رب العالمين قيوم السموات والأرضين،
مدبر الخلائق أجمعين وصلوات الله وسلامه على نبينا محمد
وسائر الأنبياء والمرسلين وآل كل وسائر الصحابة أجمعين
ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

کتاب حاضر (اربعون نووي) نام دارد که شامل
چهل و دو حدیث میباشد و مؤلف آن امام محیالدين ابو
زکریا یحیی بن شرف نووی است.

هر حدیثی از این احادیث، قاعده بزرگی از قواعد
اسلام به شمار میرود و علما گفته اند که مدار کلی اسلام، یا
نصف، یا يك سوم اسلام بر این احادیث استوار است،
ناگفته نماند که امام نووی رحمت الله علیه بر خود لازم

دانست که بیشتر احادیث این کتاب را از معتبرترین و صحیح ترین آن ها بر گزینند، و همچنین یادآور شویم که اسناد احادیث، حذف شده تا حفظ کردن آن ها آسان شود و فایده آن به همگان برسد؛ بنابر این هر کس پیروزی و کامیابی آخرت را میخواهد بایستی احادیثی که در بر گیرنده امور مهم دین و طاعات است را بدانند و به آن عمل کند.

امید است خداوند ترجمه این کتاب را فقط برای رضا و خشنودی خود بدانند و نیز پسند خاطر خوانندگان محترم واقع شود تا ما را از دعای خیر بی بهره نسازند.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه.

اسحق بن عبدالله دبیری:

ریاض - ذی حجه / ۱۴۲۱ هـ. ق

برابر با اسفند / ۱۳۷۹ هـ. ش

حدیث (۱)

از امیرالمؤمنین ابی حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که پیامبر خدا میفرمود: رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ». رَوَاهُ إِمَامَا الْمُحَدِّثِينَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمَغِيرَةِ بْنِ بَرْدِزْبَةَ الْبُخَارِيُّ وَأَبُو الْحُسَيْنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمٍ الْقُشَيْرِيُّ النَّيْسَابُورِيُّ فِي صَحِيحَيْهِمَا اللَّذَيْنِ هُمَا أَصَحُّ الْكُتُبِ الْمُصَنَّفَةِ».

همانا اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هر کس از

کردارش به اندازه نیتش اجر و ثواب می برد، پس کسی که هجرت و انتقال او به مدینه به سوی خدا و پیامبر بوده باشد، این هجرت به سوی خدا و پیامبر اوست، و هر کس هجرتش به خاطر مال دنیا باشد و یا به خاطر زنی که بخواهد با او ازدواج کند، اهمیت هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست.

حدیث (۲)

همچنین از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت:
 «بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى

النَّبِيِّ ص، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». قَالَ: صَدَقْتَ، فَعَجَبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ». قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: «مَا الْمُسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ». قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: «أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ

الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوُلُونَ فِي الْبُيُوتِ». ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ
 مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: «يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مَنْ السَّائِلُ؟» قُلْتُ: اللَّهُ
 وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ».
 (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

روزی ما نزد پیامبر اکرم نشستہ بودیم، مردی بر
 ما وارد شد کہ جامہ او بسیار سفید بود، و موهای سرش
 بسیار سیاه، و کسی از ما او را نمی شناخت، و هیچ اثر
 سفر بر او نبود کہ بگوییم از جایی دور آمده است، تا این
 کہ نزد پیامبر نشست، و دو زانوی خود را بہ دو زانوی
 پیامبر چسباند، و دو دستش را بر دو ران آن حضرت
 نهاد، و گفت: ای محمد! مرا از اسلام خبر ده.
 پیامبر در پاسخ فرمود: اسلام عبارت است از

این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی به حق جز خدای یکتا نیست، و آن که محمد فرستاده خداست، و بر پا بداری نماز را، و زکات بدهی، و روزه [ماه مبارک] رمضان بگیری، و حج خانه خدا کنی، اگر توانایی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله ای برای سفر داشته باشی. آن مرد گفت: راست گفتی.

ما به شگفت آمدم که از رسول اکرم سؤال میکند (در حالی که سؤال، علامت ندانستن است) و تصدیق می نماید (در حالی که تصدیق نشانه دانستن است). گفت: پس مرا از ایمان خبر ده، حضرت فرمود: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا (در ذات و صفات و افعالش که هیچ شریکی ندارد)، و

ایمان بیاوری به فرشتگان خدا (که پیام رسانان میان خدا و پیامبران هستند)، و ایمان بیاوری به پیامبران خدا (که برای راهنمایی بشر فرستاده شده اند)، و ایمان بیاوری به روز قیامت (و آن چه شامل آن می شود از جزای اعمال و حساب و بهشت و دوزخ)، و ایمان بیاوری به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن.

آن مرد گفت: راست گفتی.

گفت: مرا از احسان و نیکوکاری خبر ده، فرمود: نیکوکاری عبارتست از اینکه چنان خدا را بندگی کنی گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، یقین بدار که او تو را می بیند. گفت مرا از روز قیامت خبر ده، فرمود: پرسیده شده (در این مسأله) دانایتر از پرسنده

نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت
باخبر ساز، فرمود: آنکه کنیز آقایش را بزاید، (یعنی
مادران را خوار و حقیر شمارند و خود را آقای مادر
بدانند). و آنکه پا و تن برهنگان بینوا، و چوپان
گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی
در ساختمان) پردازند. پس آن مرد رفت، و من چندی
نشستم، و آن حضرت فرمود: ای عمر! میدانی که
سؤال کننده چه کسی بود؟ گفتم: خدا و رسول خدا بهتر
دانند، فرمود: او جبریل بود، که آمده بود (تا با پرسش و
پاسخ کردنش) دینتان را به شما بیاموزد.

حدیث (۳)

از ابی عبد الرحمن عبدالله بن عمر بن خطاب

روایت است که گفت: شنیدم رسول اکرم میفرمود:
 «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
 رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ،
 وَصَوْمِ رَمَضَانَ». (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).

اسلام بر پنج قاعده بنا شده است:

گواهی دادن به آن که معبودی به حق نیست جز
 خدای یکتا، و گواهی به آن که حضرت محمد پیامبر
 خداست، و بر پا داشتن نماز، و دادن زکات، و حج
 خانه خدا، و روزه داشتن در [ماه مبارك] رمضان.

حدیث (۴)

از ابی عبدالرحمن عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ روایت است
 که گفت: پیامبرِ راستگو و راستگو دانسته شده به ما خبر
 داد که: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا
 نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عِلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ
 ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ
 كَلِمَاتٍ: يَكْتُبُ رِزْقَهُ، وَأَجَلَهُ، وَعَمَلَهُ، وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ.
 فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ
 الْجَنَّةِ، حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ
 الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ
 لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ، حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا
 ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 فَيَدْخُلُهَا». (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).

در حقیقت، خلقت یکی از شما در شکم مادرش
چنین انجام می گیرد: چهل روز به حالت نطفه است،
پس از آن به پاره خونی تبدیل می شود به قدرِ همان زمان
و مدت، سپس به پاره گوشتی تبدیل می شود به اندازه
همان مدت و زمان. سپس خدای تعالی به سوی او فرشته
میفرستد تا روح در آن بدمد و فرشته مأمور است به
نوشتن چهار کلمه: روزی اش، مدت عمرش، کردار و
رفتارش، و این که بدبخت یا نیک بخت است.

پس سوگند به خدایی که هیچ معبودی به حقی غیر او
نیست، همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل بهشت
میردازد تا آن که میان او و رسیدن به بهشت، فاصله ای
نمی ماند مگر يك ذرع. در آن هنگام، سرنوشت و فرجام

کردارش بر او پیشی می گیرد و به عمل مردم دوزخی می پردازد و پایان بد، سبب رفتنش به دوزخ می گردد. و همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل دوزخ میپردازد تا آن که میان او و رسیدن به دوزخ، فاصله ای نمی ماند مگر يك ذرع. در آن هنگام، سرنوشت بر او پیشی میگیرد و به کردار بهشتیان و فرجام نيك می پردازد و سبب رفتنش به بهشت می شود.

حدیث (۵)

از ام المؤمنین که کنیه اش ام عبدالله و نام او عایشه ، روایت است که گفت: پیامبر خدا فرمود: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ)

وَمُسْلِمٌ). ودر روایت دیگر: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

در روایت بخاری: کسی که در دین ما چیزی تازه و نو آورد، آن بدعت مردود است و به دین نمی چسبد.
و در روایت مسلم: هر کس کاری کند که برابر دستور ما نباشد، آن کار مردود است.

حدیث (۶)

از ابو عبدالله نعمان بن بشیر روایت است که گفت: شنیدم پیامبر می فرماید: «إِنَّ الْحُلَالَ بَيْنَ، وَإِنَّ الْحُرَامَ بَيْنَ، وَبَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحُرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى

حَوْلَ الْحَمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى،
 أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مُحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا
 صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ،
 أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» . (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).

محققاً حلال روشن و آشکار است، و محققاً حرام
 روشن و واضح است، و در میان حلال و حرام کارهایی
 است که به گونه ای شباهت به حلال یا حرام دارد و این
 کارهای همانند را بسیاری از مردم نمی دانند، پس کسی
 که خود را از همانندها نگه داشت، به حقیقت از شك و
 شبهه دور گشته و دین و ناموس خود را حفظ کرده
 است، و کسی که در شك ها و گمان ها افتاد و از آن ها
 پرهیز نکرد، در حرام میافتد؛ مانند چوپانی که شتران

خود را در اطراف مکانِ حفاظت شده برای چرا آزاد میگذارد و در این حال، به چرا کردن در آن حریم نزدیک می شود، هان! بدانید که هر شاهی، قُرُق و حریمی دارد که مخصوص خود اوست، آگاه باشید که به یقین منطقه ای که خدا منع فرموده، از محرمات است. آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد و شایسته شد، تمام بدن شایسته می گردد، و هر زمان آن پاره گوشت، فاسد شد همه بدن به تباهی میرود، بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است.

حدیث (۷)

از ابی رقیه تمیم بن اوس الداری رضی الله عنه روایت است که

رسول الله فرمود: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ، وَلِكِتَابِهِ، وَلِرَسُولِهِ، وَلِأَيِّمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

دین همه اش سفارش و نصیحت است.

گفتیم برای چه کسانی؟ فرمود: برای خدا، و برای قرآن، و برای پیغمبرش، و پیشوایان و فرمانداران و حکام مسلمین، و برای همه مسلمانان.

حدیث (۸)

از عبدالله بن عمر روایت است که رسول اکرم فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا

الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، إِلَّا
بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى». (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).

مأمور شدم با مردم بجنگم تا آن که گواهی دهند که
معبودی به حق جز خدای یکتا نیست، و آن که محمد
پیغمبر خداست، و نماز را بر پا بدارند، و زکات بدهند،
پس اگر این ها را انجام دادند خون ها و اموال خود را از
من نگهداشته اند، مگر به حق اسلام. و حساب آن ها بر
خدای تعالی است.

حق اسلام؛ یعنی: آن چه اسلام، کیفری بر آن ثابت
نماید؛ مانند قصاص، و سنگسار کردنِ مردِ زناکاری که
زن داشته باشد و غیر آن.

حدیث (۹)

از ابی هریره عبدالرحمن بن صخر رضی الله عنه روایت است که گفت شنیدم رسول الله می فرماید: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَاتُّوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ». (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ مُسْلِمًا).

از آن چه شما را از آن باز داشتیم، دوری کنید، و آن چه شما را به آن امر کردم، انجام دهید تا آن جا که توانایی آن را دارید؛ زیرا به حقیقت، مردمی که پیش از شما بودند به هلاکت رسیدند، به خاطر سؤال و پرسش بسیار آنها، و اختلاف نمودن و مخالفت شان بر پیامبران شان.

حدیث (۱۰)

از ابی هريره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم
فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ
الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَتَأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا
مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾^۱. وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَتَأَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوْا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾^۲. ثُمَّ ذَكَرَ
الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يُمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا
رَبُّ؛ يَا رَبُّ؛ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ
حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ؛ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لَهُ؟» (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

(۲) سورة المؤمنون ۵۱.

(۲) سورة البقرة ۱۷۲.

محققاً که خداوند پاک است و جز پاکیزه را نمی‌پذیرد،
و به حقیقت که خدای تعالی به مؤمنان امر فرمود آن چه
را به پیامبران امر فرموده که: «ای پیامبران از
روزی^{۱۰} های حلال و پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام
دهید»، و خداوند فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید!
از نعمت های پاکیزه که به شما روزی داده ایم بخورید».
سپس پیامبر از کسی یاد کرد که سفر خود را طولانی
می کند و ژولیده موی و گرد آلود، دو دستش را به سوی
آسمان بلند کرده، می گوید: ای پروردگار من!
در حالی که غذایش حرام، و آبش حرام، و پوشاکش
حرام، و پرورش یافته به حرام است، با این حال، چگونه
خداوند او را اجابت کند و دعایش را بپذیرد؟



حدیث (۱۱)

از ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالب ریحانه پیامبر
(پسر دختر پیامبر) (روایت است که گفت: «دَعْ مَا
يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ».)

(رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ، وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.)

از پیامبر ص این جمله را حفظ نمودم: آن چه تو را به
شك اندازد، آن را رها کن و بگذار. و آن چه تو را به
شك نمی اندازد بگیر.

حدیث (۱۲)

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت پیامبر اکرم

فرمودند: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ».
(حَدِيثُ حَسَنٍ، رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ هَكَذَا).

از خوبی های مسلمانی فرد است، ترك كردن آن چه
را كه نه مورد توجه اوست، نه به او ربط دارد و نه وابسته
به كارش است.

حدیث (۱۳)

از ابی حمزه انس بن مالك رضی الله عنه خادم رسول الله
روایت است كه رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ
حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» . (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).
هیچ يك از شما ایمان نیاورده است، تا این كه دوست
بدارد برای برادرش، آن چه كه برای خودش دوست
میدارد.

حدیث (۱۴)

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم
فرمودند: «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِإِحْدَى ثَلَاثٍ:
الثَّيْبُ الزَّانِي، وَالنَّفْسُ بِالنَّفْسِ، وَالتَّارِكُ لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ
لِلْجَمَاعَةِ». (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).

ریختن خون فرد مسلمان روا نمی شود مگر به سبب
يك از این سه چیز: بیوه زنی که زنا کند، و کسیکه دیگر
را بکشد، و کسی که دینش را ترك کرده، از جماعت
مؤمنان جدا شود.

حدیث (۱۵)

از ابی هريره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم
فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ
لِيَصْمُمْ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ،
وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ». (رَوَاهُ
الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ).

کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن
نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود، و کسی که ایمان
به خدا و روز قیامت دارد، باید همسایه خود را گرامی
بدارد، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، میهمان
نوازی کند.

حدیث (۱۶)

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که: «لَا تَغْضَبْ»، فرَدَدَ
مِرَاراً، قَالَ: «لَا تَغْضَبْ». (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ).

مردی به رسول اکرم گفت: مرا سفارش ده! آن
حضرت فرمود: خشم مگیر! و چند بار تکرار
فرمود: خشم مگیر و غضب مکن!

حدیث (۱۷)

از ابی یعلی شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است که رسول
اکرم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ:
فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ،
وَلِإِحْدَ أَحَدِكُمْ شَفْرَتُهُ، وَلِأُخْرَ ذَبِيحَتُهُ». (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

همانا خدا نیکویی را در باره هر چیز واجب نموده

است، پس هرگاه کشتید، کشتن را بر وجه نیکو انجام دهید، و هرگاه ذبح کردید، بر وجه نیکو ذبح کنید، چنان که یکی از شما کارد خود را تیز نماید، تا حیوانی را که برای کشتن آماده شده، آسایش دهد.

حدیث (۱۸)

از ابی ذر جندب بن جناده و ابی عبدالرحمن معاذ بن جبل روایت است که رسول الله فرمودند: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَاتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ».

(رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ، وَفِي بَعْضِ النُّسخِ حَسَنٌ صَحِيحٌ).

هر جا باشی از خدا بترس. بعد از بدی، خوبی کن تا

خوبیها بدیها را محو و نابود کند و با مردم، خوش رفتار
باش.

حدیث (۱۹)

از ابی عباس عبدالله بن عباس روایت است که
گفت: نَتُّ خَلْفَ النَّبِيِّ يَوْمًا فَقَالَ لِي يَا غُلَامُ، إِنِّي
أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ: «احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ
تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ،
وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ
يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ
يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ،
رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ».

(رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ).

و در روایتی غیر از روایت ترمذی آمده است:
 «اَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدُهُ اَمَامَكَ، تَعْرِفْ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ
 فِي الشَّدَّةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبِكَ، وَمَا
 أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ
 الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

روزی پشت سر پیامبر بودم، پیامبر فرمود:
 ای جوان! من چند کلمه را به تو می آموزم: خدا را نگه
 دار تا او تو را نگه دارد؛ به خدا روی آور تا او را در برابر
 خود بیابی؛ هرگاه خواهش و نیازی داری، از خدا
 بخواه، و هرگاه یاری و کمک خواستی، از خدا یاری
 بخواه، و این را یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا
 به تو سودی رسانند، نتوانند رسانند، مگر آن چه که خدا

برای تو نوشته باشد، و اگر همه امت جمع شوند تا به تو
زیانی برسانند، نتوانند رسانید، مگر زیانی که خدا بر تو
نوشته باشد؛ قلم های سرنوشت برداشته شده و نامه ها
خشك گشتند.

و در روایت دیگر: به خدا روی آور تا او را در برابر خود
بیایی، خودت را در ناز و خوشی به خدا بشناسان تا خدا
تو را در سختی و مشقت یاری کند، و این را یقین بدان
که آن چه برای تو نبود، به تو نرسید، و آن چه برای تو
بود، ممکن نیست به تو نرسد، و این را نیز بدان که یاری
خدا همراه با صبر و شکیبایی است [اگر صبر پیشه
سازی، خدا تو را یاری رساند] و همراه هر سختی،
گشایشی است، و با هر دشواری، آسانی.

حدیث (۲۰)

از ابی مسعود عقبه بن عمرو انصاری بدری رضی الله عنه
 روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ
 النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَخِ فَاصْنَعْ مَا
 شِئْتَ» (رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ).

آن چه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هر گاه
 شرم و حیا نداشتی، هر چه خواستی بکن.

حدیث (۲۱)

از ابی عمرو گفته شده ابی عمره سفیان بن عبدالله
 ثقفی رضی الله عنه روایت است که گوید: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ

لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ، قَالَ: «قُلْ
آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمَّ». (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

عرض کردم: ای پیامبر خدا! از اسلام سخنی به من
بگو که دیگر از کسی جز تو، درباره آن نپرسم. آن
حضرت فرمود: بگو ایمان به خدا آوردم، سپس بر
ایمان خود استوار و پایدار باش.

حدیث (۲۲)

از ابی عبدالله جابر بن عبدالله انصاری روایت
است که: أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِذَا
صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَاتِ، وَصُمْتُ رَمَضَانَ، وَأَخْلَلْتُ الْحُلَالَ،

وَحَرَّمْتُ الْحَرَامَ، وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا، أَأَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟
 قَالَ: «نَعَمْ». (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

مردی از رسول اکرم پرسید: بین اگر نمازهای
 فرض را بخوانم و روزه [ماه مبارک] رمضان را بگیرم و
 حلال را حلال بدانم [و آن را انجام دهم]، حرام را حرام
 بدانم [و از آن دوری کنم] و بر اینها چیزی دیگر نیفزایم،
 آیا داخل بهشت می شوم؟ رسول الله فرمود: بلی.
 این است معنی حرمت الحرام: از حرام دوری
 جستم.

و معنی أحللت الحلال، معتقد بودن به حلال و انجام
 دادن آن است.

حدیث (۲۳)

از ابی مالک حارث بن عاصم اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُنِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا أَوْ مُوبِقُهَا». (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

طهارت و پاکیزگی نیمی از ایمان است، و الحمد لله، ستایش خداست که ترازوی نیکی ها را پر میکند و سبحان الله و الحمد لله، میان آسمان و زمین را پر می کند و نماز، نور و روشنائی است، و صدقه، دلیل ایمان داشتن است، و شکیبایی، فروغ و پرتو ایمان است، و قرآن،

دلیلی است به سود تو یا مدرکی به زیان تو. همه مردم چون بامداد شود از خانه بیرون رفته و به تلاش و کوشش می پردازند، پس خود را به خدا فروخته و آزاد می کنند، یا خود را به هوا و هوس و مخالفت با خدا فروخته و هلاک می کنند.

حدیث (۲۴)

از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم در حدیث قدسی از خداوند عز وجل روایت می کند که: «يَا عِبَادِي: إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالُمُوا. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ

أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطَعُمُونِي أَطْعَمُكُمْ. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا
 مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكَسُونِي أَكْسُكُمْ. يَا عِبَادِي: إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ
 بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً، فَاسْتَغْفِرُونِي
 أَغْفِرْ لَكُمْ. يَا عِبَادِي: إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي،
 وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي. يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ
 وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبِ رَجُلٍ
 وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئاً. يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ
 أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ
 رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئاً. يَا
 عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ قَامُوا فِي
 صَعِيدٍ وَاحِدٍ، فَسَأَلُونِي، فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا
 نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمَخِيطُ إِذَا أُدْخِلَ

الْبَحْرَ. يَا عِبَادِي: إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أُخْصِيهَا لَكُمْ، ثُمَّ أُوَفِّيكُمْ بِإِيَّاهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ». (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

ای بندگان من! ظلم و ستم را بر خود حرام نمودم و میان شما نیز آن را حرام کردم؛ پس، به همدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگان من! همه شما گمراه هستید مگر کسیکه من او را هدایت نموده ام؛ پس، از من راه راست بخواهید تا شما را به آن راهنمایی کنم. ای بندگان من! همه شما گرسنه اید مگر کسی که من او را غذا داده ام؛ پس، از من غذا بخواهید تا شما را اطعام کنم. ای بندگان من! همه شما برهنه اید مگر کسیکه من او را پوشانده ام؛ پس، از من لباس بخواهید تا شما را بپوشانم. ای بندگان

من! در حقیقت همه شما شب و روز خطا می کنید و من گناهان را می‌آموزم؛ پس، از من آموزش بخواهید تا شما را بیاموزم. ای بندگان من! شما هرگز نمی توانید به من زیان برسانید، و هرگز نمی توانید به من فایده و سودی برسانید. ای بندگان من! اگر از نخستین شما تا آخرین شما و انس و جن شما، همه بر پرهیزکارترین قلب باشید، مانند این که يك به يك شما پرهیزکار باشید، این تقوا و پرهیزکاری شما، بر ملك من نمی افزاید. ای بندگان من! اگر اول و آخرتان و انس و جن شما همه بر بدترین و ناپاك ترین قلب باشید، این بدی شما، از ملك من چیزی کم نخواهد کرد. ای بندگان من! اولین فردتان تا آخرین فردتان از انس گرفته تا جن، همه در میدانی

ایستاده و از من خواهش کنند و من به هر يك از شما آن چه خواهد بدهم، این خواهش و خواسته، از آن چه در نزد من است نمی کاهد چنان که هرگاه سوزن به دریا فرو برده شود، کم نخواهد شد. ای بندگان من! این همان است که می بینید، درو شده کردارتان است که برای شما به وفا و تمام می شمارم و به شما می رسانم پس کسی که خوبی را یافت، باید خدا را ستایش کند، و کسی که غیر از آن یافت، نباید غیر خود دیگری را سرزنش نماید.

حدیث (۲۵)

از ابوذر رضی الله عنه روایت است که: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأُجُورِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ، قَالَ: (أَوَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ؟ إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٍ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٍ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَفِي بُضْعٍ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ).

قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَأْتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ قَالَ: (أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ، أَكَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ). رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

گروهی از صحابه رضی الله عنهم به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ای رسول خدا! صاحبان مال با پاداش ها رفتند و ثروتمندان همه

ثواب ها را با خود بردند ؛ نماز میخوانند چنان که ما نماز میخوانیم، روزه میگیرند چنان که ما روزه میگیریم و صدقه میدهند از بسیاری اموالشان.

آن حضرت ﷺ فرمود: آیا چنین نیست که خداوند قرار داده است برای شما آن چه را که صدقه نمایید؟ شما در برابر هر [سبحان الله] گفتن صدقه ای دارید، و در برابر هر [الله اکبر] گفتن صدقه ای، و با هر [الحمد لله] گفتن صدقه ای، با هر لا إله إلا الله گفتن صدقه ای دارید، و در برابر هر امر به معروف و خوبی کردن صدقه ای، در مقابل هر بازداشتن از منکر و زشتی صدقه ای دارید، و در نزدیکی یکی از شما با همسرش صدقه ای. یاران گفتند: ای رسول خدا! آیا وقتی یکی از ما

شهوۛش را فرو مینشانند، برای او در این کار اجر و پاداشی است؟ آن حضرت ﷺ فرمود: به من بگوئید اگر شهوت خود را در حرام میگذاشت آیا بر آن گناهی نبود؟ پس همچنان است اگر شهوۛش را در حلال بگذارد برای او اجر و پاداش است.

حدیث (۲۶)

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: (كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ: تَعْدِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ

الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَبِكُلِّ خَطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ،
وَتُحِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ). رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

بر هر پیوندي از بدن مردم صدقه اي است. هر
روزي در آن آفتاب بيرون ميآيد و بين دو تن اصلاح و
تعادل به وجود ميآوري، براي تو صدقه اي است، و
وقتي به فردي كمك ميكني تا بر چارپايش سوار شود يا
بارش را بر آن بگذارد، براي تو صدقه اي است، و سخن
و گفتار خوب براي تو صدقه اي است، و هر گامي كه به
سوى نماز برميداري، براي تو صدقه اي است، و در آن
چه از سر راه مردم برميداري و دور ميكني تا به آن ها
آزار نرسد، براي تو صدقه اي است.

 حدیث (۲۷)

از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ). رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

نیکوکاری، خوش اخلاقی است و گناه ناراحتی است که در دل پدید می‌آید و دوست نداری مردم از آن آگاه شوند.

و از ابصه بن معبد رضی الله عنه روایت است که گفت: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: (جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ؟) قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: (اسْتَفْتِ قَلْبَكَ، الْبِرُّ مَا أَطْمَأْنَنْتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَإِنْ

أَفْتَاكَ النَّاسُ وَأَفْتَوْكَ). حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدِي
الإمامين أحمد بن حنبل والدارمي بإسناد حسن.

به خدمت حضرت رسول الله ﷺ آمدم، آن حضرت
فرمود: آمده ای که از نیکوکاری بپرسی؟ گفتم: بلی،
فرمود: از دلت بپرس! نیکوکاری چیزی است که روح
به سوی آن آرام گیرد، و دل بر آن آسوده شود، و گناه
چیزی است که در دل خارش پیدا آورد، و در سینه
شک و تردید ایجاد کند. اگر همه مردم بر خلاف احساس
درون قلب تو فتوا دهند، تو به آن فتوا اعتماد مکن.

حدیث (۲۸)

از ابی نجیح العرباض بن ساریه رضی اللہ عنہ روایت است کہ
گفت: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْعِظَةً وَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ،
وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَأَنَّهَُا مَوْعِظَةٌ
مُودِّعٌ، فَأَوْصِنَا، قَالَ: (أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،
وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ
مِنْكُمْ فَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ
الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ، عَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ
وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ،
وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ). رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ:
حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول اکرم ﷺ ما را پند داد، پندی کہ دل ها از آن
ترسید و چشم ها را اشک آورد. گفتیم: ای رسول خدا!

چنین مینماید که این پند وداعی است، پس ما را سفارش ده! آن حضرت علیه السلام فرمود: شما را به ترس از خدای عزوجل و فرمانبرداری از امیر (فرماندار و رئیس) خود سفارش میکنم اگر چه برده ای بر شما امیر شود؛ زیرا کسیکه از شما باقی بماند و عمری طولانی کند، اختلاف بسیاری خواهد دید. شما را به گرفتن راه من و راه خلفای راشدین - که هدایت شده اند - تشویق میکنم، این سفارش را با بن دندان عقل خود بگیرید، و شما را از راه های نو و جدید که برابر با راه من و خلفا نیست بر حذر میدارم؛ زیرا هر نو و جدیدی (در دین) بدعت است، و هر بدعت گمراهی است، و هر گمراهی در آتش جهنم.

حديث (٢٩)

از معاذ بن جبل رضي الله عنه روايت است كه: گفتيم اي رسول خدا! أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ، وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، قَالَ:

(لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيْسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسَّرَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ: تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، ثُمَّ تَلَا: (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ) حَتَّى بَلَغَ (يَعْمَلُونَ). ثُمَّ قَالَ: (أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ

وَذِرْوَةَ سَنَامِهِ؟) قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: (رَأْسُ الْأَمْرِ
 الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ). ثُمَّ قَالَ:
 (أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكٍ ذَلِكَ كُلُّهُ؟). قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ،
 فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: (كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا). قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
 وَإِنَّا لَمُؤَاخِذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: (ثَقَلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ،
 وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ - أَوْ قَالَ: عَلَى
 مَنَاخِرِهِمْ - إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟). رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ:
 حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

از کارهایی آگاهم کن که مرا به بهشت داخل کند و
 از دوزخ دور گرداند، آن حضرت ﷺ فرمود: در حقیقت
 از چیز بسیار بزرگی پرسیدی و آسان است بر کسیکه
 خدای تعالی برای او آن کار را آسان سازد، و آن هم

عبارت است از این که: بندگی کنی خدای یکتا را و هیچ چیز برای او شریک قرار ندهی، و نماز را بر پا داری، و زکات بدهی، روزه [ماه مبارک] رمضان را بگیری، و حج خانه خدا بروی، سپس فرمود: آیا تو را از همه درهای خیر آگاه نسازم؟ روزه سپری است که از روزه دار محافظت میکند، و صدقه، آتش گناه و خطاها را خاموش میسازد؛ چنان که آب آتش را خاموش میکند، و نماز شخص در دل شب ها.

سپس این آیه را تلاوت فرمود: [پهلوهایشان از بسترهایشان دور میشود]، تا این که به ﴿یعملون﴾ رسید، پس از آن فرمود: آیا تو را از سرآمد کارها و بالاترین کوهان آن با خبر نکنم؟ گفتم: بلی ای رسول خدا! مرا با

خبر کن، فرمود: سرآمد کارها اسلام است، و ستون اسلام نماز، و بالاترین کوهان آن جهاد در راه خداست، سپس فرمود: آیا تو را از سر رشته همه این ها خبر ندهم؟ گفتم: بلی ای رسول خدا! مرا خبر ده، آن حضرت زبان خود را گرفت و فرمود: این را نگه دار، گفتم: ای پیامبر خدا! آیا ما به آن چه میگوییم، مورد بازخواست قرار خواهیم گرفت؟ آن حضرت ﷺ فرمود: مادرت به داغت بنشیند، آیا مردم بر روهایشان (یا این که فرمود بر بینی هایشان) در آتش میاندازد، مگر سخنان یاوه، بیهوده و درو شده زبان هایشان!؟

حدیث (۳۰)

از ابی ثعلبة الخشنی جرثوم بن ناشر رضی اللہ عنہ روایت است
 که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ
 فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا
 تَتَهَكَّوْهَا، وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ غَيْرَ نَسْيَانٍ فَلَا
 تَبْحَثُوا عَنْهَا). حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَغَيْرُهُ.

خداوند متعال فريضه هايي را فرض نموده است ؛
 پس آنها را ضايع نکنيد و از کارهايي منع فرموده و
 براي آنها حدودي (مرزها و محرماتي) معين کرده است
 ؛ پس از آنها پا فراتر مگذاريد، و چيزهايي را حرام
 نموده است ؛ پس به حرمت و حرام بودن آنها احترام
 بگذاريد، و درباره چيزهاي ديگري سکوت کرده به
 خاطر مهرباني به شما، نه از روي فراموشي ؛ پس آنها را

جست و جو مکنید.

حدیث (۳۱)

از ابی عباس سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت است که: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ، وَأَحَبَّنِي النَّاسُ. فَقَالَ: (ارْزُحْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ، وَارْزُحْ فِيهَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ). رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَغَيْرُهُ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.

مردی نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا به کاری راهنمایی کن که هرگاه آن را انجام دهم خداوند مرا دوست بدارد، و مردم نیز مرا دوست بدارند، آن حضرت ﷺ فرمود: دل به دنیا میند و از آن روی گردان تا خدا تو را دوست بدارد، و به آن چه نزد

مردم است بیمیل باش و از آن روی گردان تا مردم تو را دوست بدارند.

حدیث (۳۲)

از ابی سعید سعد بن مالک بن سنان خدری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ).

حَدِيثُ حَسَنٍ، رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَالِدَّارُ قُطَيْبِيُّ وَغَيْرُهُمَا مُسْنَدًا، وَرَوَاهُ مَالِكٌ فِي الْمَوْطَأِ مُرْسَلًا عَنْ عَمْرِو بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله، فَأَسْقَطَ أَبُو سَعِيدٍ، وَلَهُ طُرُقٌ يُقَوَّى بَعْضُهَا بَعْضًا.

نه به خود زیان برسان و نه به دیگران.

(یعنی دین مبین اسلام بر پایه مصلحت و منفعت بنا شده است و ضرر رسانیدن را منع کرده است).

حدیث (۳۳)

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: (لَوْ يُعْطَى النَّاسُ بِدَعْوَاهُمْ، لَادَّعَى رِجَالٌ أَمْوَالَ قَوْمٍ وَدِمَاءَهُمْ؛ لَكِنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعِي، وَالْيَمِينَ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ). حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُهُ هَكَذَا وَبَعْضُهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ.

اگر مردم به مجرد ادعایشان [و همین که ادعای چیزی میکردند] به آن ها داده میشد، هرآینه برخی ادعای اموال و خون برخی دیگر میکردند، ولی بر مدّعی گواهی

دهنده اي هست، و بر منكر و انكار كننده، سو گند.

حديث (۳۴)

از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: (مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ). رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

کسیکه از شما کار زشت و منکری را دید باید آن را با دست خود تغییر دهد، اگر نتوانست با دست تغییر دهد، با زبان و گفتار خود تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبان تغییر دهد، با دل خود آن را انکار کند و این مرحله؛ یعنی انکار به وسیله دل ضعیف ترین ایمان است.

حدیث (۳۵)

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (لَا تَحَاسِدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا تَبَاغِضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ: لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَكْذِبُهُ، وَلَا يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هُنَا - وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - بِحَسَبِ أَمْرٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَمَالُهُ، وَعِرْضُهُ). رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

شما مسلمانان به یکدیگر حسد نورزید، به زیان یکدیگر سازش نکنید، و به یکدیگر بغض و کینه

نورزید، و به همدیگر پشت نکنید، و هیچ يك از شما بر فروش دیگری نفروشد، بندگان خدا، و برادران همدیگر باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به برادر خود ستم نمیکند، دست از یاری و کمک او نمیکشد، او را تکذیب نمیکند، او را خوار و ذلیل نمیشمارد، این تقوا و پرهیزکاری است. و سه بار به سینه اش اشاره فرمود. برای انسان همین کافی است که برادر مسلمان خویش را حقیر و کوچک شمارد، خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.

حدیث (۳۶)

از ابی هريره رضی الله عنه روایت است كه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ).

رواه مُسْلِمٌ بِهَذَا اللَّفْظِ.

كسیكه از برادر مؤمن خود يك سختي و دشواري را

در دنیا بر طرف کند، خداوند يك دشواري و سختي روز قیامت او را رفع میکند، کسیکه بر فقیر و بینوایی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و کسیکه بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را میپوشاند، (این زشتی و بدی برای کسانی که دارای کارها و مناصب بزرگ هستند میباشد، از قبیل امیران که به فساد مشهور نیستند و ممکن است اتفاقی آن را انجام داده باشند ؛ البته در صورت انجام آن کار، ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود و اگر توانایی بازداشتن از آن کار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاکم شهر شکایت نمود) و کسیکه قدمی در آموختن

علم بردارد، خدا راه بهشت را بر او آسان گردانند، و هرگاه گروهی از مردم در خانه ای از خانه های خدا (مساجد) گرد آیند تا قرآن بخوانند و درس های قرآن را به هم بیاموزند، دل ها بر ایشان فرود آید، و مهر و محبت و رحمت خداوندی بر آنان فراگیرد، و فرشتگان آنان را در بر گیرند، و خداوند آنان را به کسانی که نزد او هستند یاد کند، و کسیکه عمل و کردارش بر او پیشی گرفت و او را به دنبال انداخت، به یقین نسب و قبیله اش او را به جلو نمیبرد.

حدیث (۳۷)

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما از رسول اکرم ﷺ
 در حدیث قدسی از خداوند تبارک و تعالی روایت است
 که خداوند فرمود: (إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحُسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، ثُمَّ
 بَيَّنَّ ذَلِكَ: فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ
 حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ عَشْرَ
 حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هَمَّ
 بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هَمَّ بِهَا
 فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً).

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ فِي صَحِيحَيْهِمَا بِهَذِهِ الْحُرُوفِ.
 همانا خدا خوبیها و بدیها را نوشته، پس هر کس قصد
 خوبی نمود و آن را انجام نداد، خداوند برای او نزد خود
 یک نیکی کامل مینویسد، و اگر قصد خوبی کرد و آن را

به انجام رساند، خداوند نزد خود ده خوبی تا هفتصد برابر تا چند برابر بسیار برای او مینویسد، و اگر قصد بدی نمود و آن را انجام نداد، خداوند نزد خود برای او یک نیکی کامل مینویسد، و اگر قصد بدی نمود و آن را انجام داد، خداوند یک بدی برای او مینویسد.

پس ای برادر بنگر - خدا ما و شما را به سویی لطف عظیم توفیق دهد - و بر این عبارت ها را خوب اندیشه کن. عبارت ((نزد خود مینویسد)) اشاره است به اهمیت آن و لفظ ((نیکی کامل)) برای تاکید آن عبارت و اهمیت بسیار آن است. و درباره ((قصد بدی کردن ولی آن را انجام ندادن)) فرمود: خداوند یک نیکی کامل برای او مینویسد و بر کلمه کامل تأکید نمود و اگر بدی انجام

داد، يك بدي براي او مينويسد، و بريك بدي تأكيد
نمود ؛ بنابر اين خدا را حمد و منت است سبحانه و تعالي
كه ستايش او را نتوانيم كرد، براي اوست توانايي و
توفيق در طاعت ها.

حديث (۳۸)

ابوهريره رضي الله عنه از رسول اكرم صلى الله عليه وآله روايت ميكند كه
فرمودند: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ
بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ
عَلَيْهِ، وَلَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ؛ فَإِذَا
أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ،

وَيَدُهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلُهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَلَيْتَنِي سَأَلْتَنِي
لَأُعْطِيَنَّهٗ، وَلَيْتَنِي اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيذَنَّهُ). رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

خداوند در حدیث قدسی میفرماید: کسیکه با
دوست من دشمنی کند، با او اعلام جنگ میکنم، و بنده
مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من، بهتر از فرایض با من
نزدیک نمیشود، و او با انجام نوافل (عبادتهای غیر
واجب) به من نزدیک میشود تا این که من او را دوست
بدارم، هنگامی که من او را دوست دارم، من گوش او
میشوم که با آن میشنود، و چشم او میشوم که با آن
میبیند، و دستش میشوم که با آن میگیرد، و پایش میشوم
که با آن راه میرود، و اگر چیزی از من بخواهد به او
میدهم، و اگر پناه بخواهد پناهِش میدهم.

حدیث (۳۹)

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که
رسول اکرم ﷺ فرمودند: (إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي الْخُطَا
وَالنِّسْيَانِ، وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ).

حدیث حسن روایه ابن ماجه والبیهقی و غیرهما.

خداوند به خاطر من از خطا و فراموشی امتم و آن چه
بر آن ها زور و اجبار شود، گذشت کرده است.

حدیث (۴۰)

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: (كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ).

وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: (إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَتَنَظَّرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَتَنَظَّرِ الْمَسَاءَ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرْضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ). رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

رسول اکرم ﷺ دوش مرا گرفت و فرمود: در دنیا چنان که غریب یا رهگذری هستی باش، و عبدالله بن عمر رضی الله عنهما همیشه میگفت: وقتی شب شد، به انتظار صبح مباش، و وقتی بامداد بر تو آمد، به انتظار شب منشین، و در موقع تندرستی و سلامتی، برای روزهای بیماریات توشه بگیر، و در زندگی برای مرگ

و مردنت توشه فراهم کن .

حدیث (۴۱)

از ابی محمد عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما
روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: (لَا يُؤْمِنُ
أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ). حَدِيثٌ حَسَنٌ
صَحِيحٌ رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ الْحُجَّةِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.
هیچ يك از شما ایمان نمیآورد تا این که هوای او پیرو
آن چه من آورده ام باشد.

حدیث (۴۲)

انس ﷺ گوید: شنیدم رسول اکرم ﷺ از باری تعالی میفرماید: (قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي، غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي، غَفَرْتُ لَكَ، يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا، ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً). رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

ای بنی آدم! هرگاه مرا میخوانی و به من امید داری، تو را بر آن چه بوده میآمرزم و از تو پروایی ندارم. ای فرزند آدم! اگر گناهان تو به ابرهای آسمان برسد و آن گاه از من طلب آمرزش کنی، تو را میآمرزم و گناهان تو را خواهم بخشود. ای انسان! اگر به سویی من آبی در



حالي که زميني پر از گناه و خطا داري ولي به من شرک
نياوردي، من با زميني پر از مغفرت و بخشايش به سوي
تو ميآيم.